

انگیزه حسادت

در محیط زندگی دو نوع دشواری وجود دارد: نوع اول مشکلاتی که اذخارج متوجه انسان می شود، مانند گرسنگی، تشنگی، سرما، گرما، زلزله که او را تهدید بمرگ می کند. نوع دوم دشواریهایی که ازدیون خود انسان سرچشمه می گیرد، مثلاً انسان وقتی خود را با فردی که در موقعیت برتری قرار دارد، مقایسه می کند و موقعیت خودش را با وجود او متزلزل می بیند، دچار رنج و ناراحتی می گردد، دلش می خواهد رقیب او از بین برود، و محبوبیت خودش دو باره بدست آید، این انگیزه حسادت نام دارد.

شاید عده ای خیال کنند که حسادت میان کودکان رواج دارد، و حال آنکه حسادت در میان بزرگسالان عمیق تر و شدیدتر وجود دارد، و چه بسیار مردان وزنانی که از این رهگذر شها بخواب فرفته، تا سپیده صبح از درد روحی بخود پیچیده اند. فرقی که بین حسادت خردسالان و بزرگسالان وجود دارد، در این نکته است که کودک خردسال زود ناراحتی خود را بروز میدهد و حال آنکه بزرگسال این ناراحتی ها را بروز ندهد دست بنوطه ها و نقشه های ماهرانه میزند.

حسادت، سابقه تاریخی دارد، از همان روزهای اولیه که انسان از همه نعمت های دنیا برخوردار بوده، و جمعیت دنیا انگشت شمار بوده، قاییل بر هایل حسد برده، او را بخاک و خون کشانید.

حسادت در محیط خانواده

کمتر خانواده ای را می توان پیدا کرد که در میان اعضاء آن خانواده

حسادت وجود نداشته باشد، طفلی که تا دیروز بگانه، فرزند خانواده محسوب می شد، با آمدن نوزاد جدید، موقعیت قبلی خود را از دست داده می بیند، خواه ره آزادی برادرش حسد می برد، برادر کوچک ارامتیا زات برادر بزرگ دچار رشک می گردد، برخی از پدران بر اساس جهل و نادانی خود زمینه حسادت را در فرزندان فراهم می آورند، و یا در برخی از موارد آنرا دامن می زنند، در دفرچه خاطرات (کودگی) این کلمات نوشته شده بود: فرزندم حالا تو باید بیش از پیش خوب باشی، تو دیگر بگانه فرزند من نیستی، اکنون در خانه ما دو کودک وجود دارد، این کودک بمدا چنین می نویسد: پس از شنیدن این کلمات تصمیم گرفتم که با تمام قدرت برادر را بکوبم، در مواردی برخی از پدران در اظهار فرزندان یکی از آنها را مخاطب قرار داده، در تحسین و تمجید او مبالغه فراوان می نماید، غافل از اینکه این نوع رفتار سایر کودکان را تحریک نموده، آتش حسادتشان را مشتعل می سازد.

بعضی از پدران برای توسعه فعالیت آموزشی فرزندان، آنان را بر قایت و امیدارند، ممکن است از جهتی این نوع روش مفید باشد، ولی مسلماً زبان هایی هم دارد، یکی از آنها هم زدن سفا و سمیمیت میان افراد خانواده، و ایجاد حس کینه توزی و دشمنی میان آنان است بدیهی است که عامل اصلی احساس شکست و حسادت بد دیگران است، بنابراین تا سرحد امکان باید از رقابت میان کودکان خودداری کرد، و آنان را با بی بیت اجتماعی آشنا ساخت.

در برخی از موارد پدران برخی از فرزندان را وادار می سازند که فداکاری کرده و حق خودشان را بد دیگران واگذار نمایند، زبان این نوع گذشت ها، اینست که بحقیقت شبنون درک کرد که شخصی فداکار و اوماً چنین کاری را می بوده یا نه؟ در صورتی که بچان وک آمدگی چنین گذشتی را نداشته باشد، علاوه بر اینکه آتش حسادت او دامن زده میشود ممکن است کودک بغض و کینه خود را متوجه پدر خود نموده، محبت او را از دست بدهد.

حسادت ناپیدا

ممکن است رفتار بعضی از کودکان طوری باشد که دیگران بسادگی نتوانند درک کنند که حسود می باشند، مثلاً برادر کوچک شکایت میکند که چرا برادر بزرگ پول توجیبی بیشتر از او دریافت می دارد.

در مواردی هم ممکن است، حسادت بطور ناپیدا میان کودکان وجود داشته باشد، در این نوع کودکان بر اساس اصل «عبدل سازی» سعی می شود که عقده ها و ناراحتی ها در لباس بد رفتاری و بد اخلاقی ظاهر شود، پدران و مادران باید دقیق باشند که بتوانند

این نوع بدرفتاری‌ها را تشخیص دهند و ریشه آنرا که حسادت است برطرف نمایند ، و الا هر گاه عامل اساسی شناخته نشده باشد ، نمیتوان بدرفتاری کودکان را برطرف نمود .

پیش گیری و درمان

بدران و مادران باید توجه داشته باشند ، که خود کودکان از دیدن برادر کوچک یا بزرگ ، و یا خواهر کوچک و بزرگ ، بطور ناخود آگاه احساس کمبودی مینمایند ، بنابراین اولیاء نباید بهیچوجه این احساس را تقویت کنند . از نظر گفتار و رفتار آنچنان باشند که بتدریج احساس این نوع کمبودها از بین رفته صفا و صمیمیت میان افراد خانواده برقرار گردد ، و مواردی علاوه بر کردار عالی و پسندیده ، راهنمایی‌های غیر مستقیم انجام داده ، با آنها بجهانمند که گریه اختلاف سن برای هر يك امتیازات خاصی را بوجود آورده ، ولی این امتیازات همگانی است ، هر کودک کوچکی پس از بزرگ شدن از آن امتیازات استفاده خواهد کرد .

برای درمان حسادت باید توجه داشت ، که پس از شناسایی نشانه‌های آن نباید با سرزنش و توبیخ کودکان را از ابراحسادت بازداشت چه ممکن است در برخی از موارد ، این توبیخ‌ها و سرزنش‌ها علاوه بر اینکه از حسادت جلوگیری نمی‌کنند ، بلکه بر میزان وحدت آن بینزایند ، از این گذشته این نوع درمان در واقع باشد نوع **معالجه سطحی** است یعنی علائم ظاهری را برطرف مینماید ، و به ریشه و علل آن توجهی نشده است ، در واقع عامل اصلی همانند آتش در زیر خاکستر پنهان مانده است .

بهترین راه اینست که صمیمانه محبت خود را متوجه همه افراد نموده ، از هر نوع جریانی که موجب تحقیر و شکست دیگران است جلوگیری کرد و اگر فردی دچار ترازل و شکست است ، سعی کرد روح اعتماد و اطمینان او را برانگیخت تا با کوشش و تلاش بتواند خود را بموفقیت و پیروزی برساند ، چه انسان پیروز نمند کمتر دچار احساس حسادت میگردد .

بقیه از صفحه ۲۹

جالب آنکه برخود بیک چنین اثر باستانی در يك کشور غیر دینی و بدست يك عده افراد غیر مسلمان و بالاخره در محیطی اتفاق افتاده که از نیم قرن پیش دین و عقیده به مبدا و معاد وحی و رسالت را کنار گذارده و تنها از دیدة محدود مادیکری بجهان و آنچه در آن است می‌نگرند .

ناگفته معلوم است که ماجرای این لوح به نسبت ارزش و اهمیتی که از دید باستان‌شناسان دنیای روز دارد نیز ارزش دینی و مذهبی برای مسلمانان بویژه شیعیان داشته و دارد .

تذکره : مطالب این مقاله ترجمه و اقتباس از مجله بنده نجف و کتاب قبس من القرآن تالیف عبداللطیف خطیب بغدادی چاپ ۱۳۸۹ نجف می‌باشد .